



مذاكرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاكرات مجلس روزيكشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۴۲

فهرست مطالب:

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) بیانات قبل از دستور آقای عیسی مبارکی
(۳) سؤال آقای فخرطباطبائی راجع به کتب درسی و جواب آقای وزیر فرهنگ
- (۴) تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ و بیانات ایشان
(۵) بیانات بعد از دستور آقایان: مهندس والا- بالاخانلو

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید.

۱- تصویب صورت مجلس

- رئیس - بسیار خوب. آقای البرزی
کهنزاد البرزی - همچنین در عرایض بنده اشتباهی هست اجازه بفرمائید بدهم تند نویسی.
- رئیس - بسیار خوب. آقای ارسنجانی بفرمائید.

رئیس - بسیار خوب. آقای ارسنجانی بفرمائید.
ارسنجانی - بنده عرض کردم آئین نامه اجرائی برای صحیح اجرا شدن مرحله دوم است.
رئیس - اصلاح میشود. آقای دکتر الموتی بفرمائید
دکتر الموتی - در عرایض بنده يك مختصر اشتباهاتی هست که میدهم با اداره تند نویسی اصلاح شود.

رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود، چون دیگر نظری نیست صورت جلسه قبل تصویب میشود.

۲- بیانات قبل از دستور آقای عیسی مبارکی

رئیس - نطق های قبل از دستور شروع میشود.
آقای مبارکی بفرمائید.

مبارکی - با اجازه جناب آقای رئیس و آقایان نمایندگان

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: مرتضوی - دکتر غنی - ایلخان - دکتر پور هاشمی - جهانگیری - بختیار بختیار بها - ابطحی - موسوی - دکتر غلامرضا عدل - شکیبای نوری - اهری - مهندس مجید عدل - زند - مافی - دکتر قراقرلو - پرویزی - دکتر یگانگی - دکتر خطیبی
غائب بی اجازه - آقای ساکینیان

زود رفتگان با اجازه - آقایان: حبیبی ۴ دقیقه
ارسنجانی يك ساعت - بانو ابتهاج سمیعی يك ساعت.

رئیس - راجع صورت جلسه قبل اگر آقایان نظری

دارند بفرمایند، آقای حسینی بفرمائید.

حسینی - در عرایض بنده يك اشتباهاتی هست که چون مفصل است میدهم به تند نویسی که اصلاح کنند.

این مذاكرات مشروح دهمین جلسه از دوره بیست و یکم قانونگذاری - اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

محترم خدا، شاعر مبین شعارها همه ایرانیان است (بعضی از بنده گان بنده تر بفرمائید) انقلاب ششم بهمن شاهنشاهی قاجار ملت ایران رسید، ملت مبارزان شاهنشاهی هستیم همه فرمان بردار چه فرمان شاه، ما پشتیبانی از این انقلاب هستیم و حقیقت می‌کنیم و حال آشفته‌ای از وضع استان بلوچستان نظر مبارک آقایان میرسانم. در استان بلوچستان در موقعی که همه فرماندهان ایرانشهر بوده یک سیل زدگی برای مردم آن استان رخ داد که جبران ناپذیر بود ولی این سیل با همه خسارت چندسال خشکسالی را نداشت در آن سرزمینی خود جناب آقای دکتر خطیبی هم شاهد هستند که حسب الامر جناب مطاع کمک شایانی دادند و بنده از جناب آقای دکتر خطیبی تشکر می‌کنم، این پنج سال خشکسالی متوالی زندگی مردم بلوچستان را تهدید کرده بود و آن سماع صوری شد که اگر آقایان نمایندگان در بدایت وضع بلوچستان را مشاهده کنید گریه‌تان می‌گیرد از وضع گرسنگی و بیچارگی و در ماندگی مردم، در این موقع حسب الامر جهان مطاع جناب آقای علم و جناب آقای دکتر خطیبی مدیر عامل شیر و خورشید سرخ کمک‌هایی دادند ولی این کمک‌ها برای ۵۰۰ هزار نفر مردم بلوچ کافی نیست استدعا می‌کنم از جناب آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی عریض چاکرانه بنده را بنظر مبارک پدر تاجدار برسانند که امر و مقرر بفرمایند یک کمک‌های بیشتری برای آن‌قدر ای بندر مردم بلوچستان بشود و همچنین با جناب آقای نخست وزیر صحبت بفرمایند که زودتر اقدام مؤثری بکنند زیرا که مردم بلوچستان در این پنجسال خشکسالی مورد تهدید قرار گرفته‌اند و نسبت به تمديد وام کشاورزان که در این ۵ سال مورد تهدید قرار گرفته‌اند اقدام بفرمایند و سازمان برنامه هم برای لوله کشی آب آشامیدنی ۶ کیلو متری از کنار اقدام کنند که ۸ هزار نفر اهالی آنجا از حیث خوردن آب شور راحت بشوند و دیگر تعمیر جاده اصلی ایرانشهر و چاه بهار است و نسبت بر راه مافاعلا اسفالت نمی‌خواهیم ولی استدعا می‌مان اینست که راه خاکی ما خوب باشد، دیگر تعمیر جاده مرزی ایرانشهر از سر باز - راسک پیشین و چاه بهار است بستن سد باهوکلات و سیل بر گردان رود خانه دشتیاری و سیل بر گردان اسپنکه بکمک سازمان برنامه تأسیس کلاس ششم طبیعی در شهرستان ایرانشهر و چاه بهار و تکمیل چهار دستگاه درمانگاه در دامن - جز بدک کفارک پیشین

و فرستادن پزشک و دارو و تأسیس دبیرستان تا کلاس سوم در بخش سر باز - فوج - لاشار - اسپنکه - قصر قند و نیکشمر - دامن - ابتر و یک بیمارستان یکصد تخت خوابی در شهرستان ایرانشهر و یک بیمارستان ۶۰ تخت خوابی در شهرستان چاه بهار که بلوچ‌های بی بضاعت که استطاعت مالی ندارند چطور این‌ها می‌توانند بیمار خودشان را تصد فرسخی براهان برسانند (صحیح است) بنابراین نسبت بتأسیس این کلاس‌ها و اسکلها چاه بهار استدعا دارم از حضور مبارک آقایان نمایندگان محترم که خواهان و برادران بلوچ شما منتظر لطف آقایان هستند، اینها برادران و خواهران شما هستند - البته ایمان کامل دارم که - کلاهی محترم توجه می‌فرمایند چون بنده و جناب آقای ریگی و جناب آقای نارویی تنها وکیل استان بلوچستان نیستیم همه آقایان نمایندگان محترم هستند که بنده بهمه‌شان ایمان راسخ دارم و در این مدت کوتاهی که با آقایان تماس گرفته‌ام میدانم شخص با ایمانی هستند که در این مقام مقدس آمده‌اند و به پیروی از نیت شاهنشاهی و ملت ایران این‌جا آمده‌اند و همه خدمتگزار شاه و میهن هستند، بیشتر استعنائی ندارم عرض‌حالی هم راجع به بیمارستان تربت حیدریه به یکی از آقایان نمایندگان محترم رسیده است که استدعا می‌کنم توجه بفرمایند، و دوقره عرض‌حالی رسیده است راجع به گرسنگی مردم بلوچستان که بحضور جناب آقای رئیس تقدیم می‌کنم.

۳ - سؤال آقای فخر طباطبائی راجع به کتب

درسی و جواب آقای وزیر فرهنگ

رئیس - وارد دستور می‌شویم، سؤال آقای فخر طباطبائی مطرح است بفرمائید.

فخر طباطبائی - عرض کنم سؤالی که بنده از وزارت فرهنگ تقریباً دو هفته قبل کرده بودم راجع به کمبود کتب تحصیلی محصلین امسال بود، خیلی خوشوقتم دیشب در روزنامه دیدم که سخنگوی وزارت فرهنگ اعلان کرده بود که کتب تحصیلی بعد کافی تهیه شده است (بعضی از نمایندگان در انبار است) عین سؤال را حضور نمایندگان محترم مجدداً قرائت می‌کنم «ریاست مجلس شورای ملی خواهشمند است مقرر فرمائید جناب آقای وزیر فرهنگ برای جواب دادن بسؤال رئیس هر چه زودتر در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند با اینکه ماه دوم سال تحصیلی جاری

است علت این که تاکنون کتب درسی با اندازه کافی در دسترس دانش آموزان گذاشته نشده است چیست و برای رفع کمبود کتب درسی چه فکر و اقدامی فرموده‌اند؟ عرض کنم موضوع پیشرفت امور فرهنگی مملکت از مسائلی است که مورد کمال توجه شاهنشاهی و ملت ایران است، بهمین جهت یکی از مواد مصوبه ملی را تشکیل می‌دهد که دولت اجرای آن مواد در در سر لوحه برنامه خود تصریح و تعهد می‌کند، وضع مملکت ما با تحولی که پیش آمده است ایجاب می‌کند که دولت و ملت توأماً در راه عظمت و اعتلای مملکت قوای دانش و فکر و عمل خودشان را متمرکز و مشغول کنند، حتی امروز اغلب کسانی هم که خوشبین نبودند باین واقعیت معترف شده‌اند آنطور درک کرده‌اند هر چه زمان می‌گذرد لزوم و اهمیت تحول بیشتر مبرهن و روشن میشود، اما بشمر رسانیدن این تحولات تحریک و شوق باطنی و اقدام و عمل لازم دارد و این حرکت و اشتیاق هم باید هر دو جانبه باشد هم از طرف ملت و هم دولت صمیمانه و صادقانه بکشند که انشاء الله این نهضت یا این تحول مایه نتیجه مطلوب برسد، بنده تصدیق دارم که جناب آقای وزیر فرهنگ در زمان تصدی خودشان قدمهای مؤثر و مفیدی بنفع فرهنگ کشور برداشته‌اند (صحیح است) و وجداناً باید این قسمت را در این مکان مقدس حضور آقایان نمایندگان محترم تصدیق و تأیید کنم، اعزاز سپاهیان دانش بر روستاها که اجرای یکی از منویات اعلیحضرت همایونی بود از قدمهای درخشان وزارت فرهنگ است (صحیح است) همینطور بسط آموزش ابتدائی، تکمیل کادر دبیرستان‌ها، این‌ها مسائلی بود که انجام شده گذشته از این مسأله دسته‌بندی و تبعیض و اعمال غرض موضوعی بود که مدت‌ها دستگاه وزارت فرهنگ را فرسوده و فلج کرده بود که بنده خیلی خوشوقتم این موضوع را عرض کنم که آقای دکتر خانلری آن رایشه کن کردند، امروز یک محیط با صفای بدون غرض در وزارت فرهنگ پیدا شده و فرهنگ منشاء آثار مهمی خواهد شد، هر کجا که دسته‌بندی و غرض بیش نباشد نتیجه اش تبعیض است، تبعیض هم آقایان نمایندگان محترم استحضار دارند موجب ناراحتی و دل‌سردی میشود و چون دل‌سردی‌های ناشی از تبعیض روی هم متبلور شد ارکان جامعه را از حرکت باز می‌دارد، این‌ها مسائلی است که بنده لازم دانستم بمرض

آقایان نمایندگان محترم برسانم، همین مسأله بکنواخت کردن کتب درسی هم باید تذکر عرض کنم اقدام مفیدی بوده است البته راجع باین اشکال کمبود کتب درسی راهم بنده دیشب در روزنامه خواندم که خوشبختانه این مورد را هم توجه کرده‌اند و فکر اولیای محصلین و خود محصلین از کتب درسی مشتت فراغت حاصل کرده و یک کتب درسی یک نواختی پیش آمده و تأکید این معنی و نتیجه‌ای که بنده می‌خواستم از بحث و سؤال امروز بگیرم همین است که وزارت فرهنگ باید یک برنامه آموزشی لاقبل پیش‌بینی شده‌ای را برای ده سال در نظر داشته باشد چون ملاحظه بفرمائید ده سال آینده مملکت را که وقتی جلوی چشممان محکم کنیم چندین برابر تعداد محصلین امروزی ما محصل و دانش آموز داریم و بهمین قیاس نسبت به معلم و مدرسه و کتاب و سایر نیازمندیهای مملکت محتاج می‌شویم فکر آنرا باید از امروز کرده باشیم، همین مشکل کتاب و سایر مشکلات فرهنگ غالبش نتیجه نداشتن پیش‌بینی در گذشته بوده است، و بایستی در وزارت فرهنگ یک برنامه پیش‌بینی داشته باشند، من فکر می‌کنم مشکلات ما در آینده خیلی کمتر و راه تکامل آن هموارتر خواهد بود، علاوه بر این دولت باید یک برنامه فرهنگی که با اوضاع اقتصادی مملکت و جهتی که مملکت ما بطرف آن پیش می‌رود منطبق بسازد جامعه ما در حال جهشی است در حال جهش باید پیش پای خودمان را کاملاً ببینیم تا در آینده مشکلاتمان کمتر بشود و ببینیم در ده سال در سال آینده ما در کدام قسمت از امور اجتماعی کمبود داریم نیل جوان را بسوی آن کمبودهایی که داریم سوق بدهیم اگر دستگاه فرهنگ بهمین کیفیت باشد که تعدادی دیپلمه و لیسانسه بیاید بیرون و بدون کار و سرگردان باشند این بلیه‌ای است که در آینده متوجه مملکت ما خواهد بود و از حالا بایستی جناب آقای دکتر خانلری وزیر محترم فرهنگ که واقفاً غیر از این هم از ایشان نباید انتظار داشته باشیم این جهات را توجه داشته باشند و قطع دارم که ایشان تمام این جهات را توجه دارند.

رئیس - آقای فخر طباطبائی متأسفانه ۵ دقیقه وقت جنابعالی تمام شد.

فخر طباطبائی - بنده بمرایض خاتمه میدهم تقاضا دارم که جناب آقای وزیر فرهنگ به سؤال بنده جواب

لطف بفرمائید.

رئیس - آقای وزیر فرهنگ بفرمائید.

وزیر فرهنگ (دکتر خالری) - بنده باید تشکر

کنم و اظهار خوشوقتی بکنم در این که در این مجلس همچنانکه انتظار میرفت نمایندگان هستند که توجه کافی ب همه نکته‌ها و همه رموز و همه احتیاجات مملکت دارند و واقعاً موجب امیدواری است که با چنین مجلسی واقعاً وضع مملکت از هر طریق بهتر بشود یعنی واقعاً مسائل اصولی و واقعی برای مملکت ماقطع نظر از نکته‌های شخصی و منافع خصوصی در اینجا مطرح بشود و کارها روی چرخ میفتند که لازمه وضع کشوری است که باین ترتیب در حال تحول است سؤالی که نماینده محترم فرمودند، در باره کتاب درسی بحث مفصلی دارد اما بنده گمان میکنم که نمایندگان محترم باندازه کافی آشنا با مطلب هستند و شاید توضیح مفصلی اگر بدهم قدری ممل باشد باختصار عرض میکنم خاطر همه آقایان مستحضر است که هر سال در ابتدای سال تحصیلی چه گرفتاری عظیمی برای موضوع کتاب درسی وجود داشت، این گرفتاری تنها مربوط به کمبود کتاب نبود، انواع مختلفی داشت گرفتاریهای متعدد انتخاب کتابها از طرف معلمین بعد تغییر معلمین، تغییر رأی متصدیان امر اگر اعمال نفوذها و اعمال غرضها برای انتخاب بعضی از کتاب که رویهمرفته نه تنها موجب گرفتاری و موجب زحمت شاگرد و معلم و پدر و مادر و اولیای بچه‌ها بود بلکه اصولاً ایجاد فساد میگرد و این نکته آخری شاید که بزرگترین معایب آن وضع بشود در امر تحصیل در امر علم، اغراق مادی وقتی که وارد شود مسلماً اصل مطلب از بین میرود پس لازم بود که فکری برای اینکار بشود وزارت فرهنگ با کارها و مشکلات و مشغله‌های متعددی که داشت آقایان مسبوق هستند در صدد این برآمد که يك تصویب نامه‌ای تهیه کند که بموجب آن کتابهای درسی را یکسان کند اینکار انجام گرفت ولی بنده شاید تصدیق بدهم در اینجا و وقت آقایان نمایندگان محترم را بگیرم بذكر مشکلات متعدد و عظیمی که در این راه وجود داشت خودتان بخوبی می‌توانید تشخیص بدهید که مشکل چقدر بزرگ است و وقتی مقایسه بفرمائید مبلغ کل کتابهای امسال را با مبلغ کل قیمت کتابهای سابق وقتی ملاحظه

فرمائید این اختلاف ۹ میلیون، ۱۰ میلیون تومان میشود آنوقت تصدیق میفرمائید که کار آسانی نبوده است که چنین منافعی را از عده بی سلب کنیم (صحیح است) و این کار را باید عرض کنم که بنده با سماجت انجام دادم در پرونده‌های نخست وزیری يك پرونده بسیار قطوری تهیه شده است به قطر شاید ۴ انگشت و این پرونده مشتمل است بر دشنامها و تهمت‌هایی که در این باب به عده بی داده اند بصورت چاپی و ماشین شده و خطی و ژلانی و غیره و انباشته شده آنجا رویهم و بنده بقول مردم يك گوشم را رویك گوشم را دروازه کردم و توجهی باین مسائل نکردم تا اینکه بالاخره موفق شدم باینکه شرکتی تشکیل بدهیم و کتابها را فعلاً امسال یکیش را انتخاب کنیم باید عرض کنم بنده اصولاً معتقد نیستم اموری که از قبیل کسب و تجارت است از دست مردم گرفته شود و بتوسط دولت انجام بشود (صحیح است) این اصل است بهمین جهت در تصویب این پیش بینی شده بود تمام ناشرین و کتابفروشان جمع بشوند خودشان شرکت واحدی تشکیل بدهند و این کار را تحت نظارت وزارت فرهنگ انجام بدهند اما اگر نکردند باینکار درست نشد وزارت فرهنگ خودش درست کند و در چاپخانه‌های رسمی دولتی کتابها را چاپ کند این برای پیش گیری بود و با کمال تأسف باید عرض کنم پیش بینی بی حسابی نبود سؤالی که نماینده محترم فرمودند مربوط است به تأخیر و طبع و توزیع کتاب اینکار بعهده شرکت کتاب و گذار شد و آن شرکت متعهد شد در مقابل وزارت فرهنگ که بموقع و در اول سال تحصیلی در تمام نقاط مملکت کتابها را باندازه کافی توزیع بکند فعلاً که تأخیر کرده است در این کار این امر رسیدگی میشود بنده حالارسم نیست که آنهم در يك همچو مکان رسمی متهم بکنم شخص با دستگاهی را قبل از اینکه یقین حاصل شده باشد و اسناد صحیحی وجود داشته باشد بنا بر این از بنده حالانوقع نداشته باشد بگویم که کی تقصیر کرده است و تقصیر از چه نوع بوده است بنا بر این بنده این قسمتها را تعیین خواهم کرد و اطمینان میدهم که در این کار غفلت نخواهد شد (احسن) از جهت حفظ حقوق ملی زیرا که کتاب برای شاگرد مدرسه جزء حقوق ملی است حق دارد و می‌خواهد در اول سال کتاب داشته باشد اما این يك نکته را هم عرض کنم و معذرت می‌خواهم که زیاد وقت آقایان گرفته میشود کار کتاب درسی باینجا

هم تمام نشده است این قدم اول است اساس این کار این است که متن کتابهای درسیمان هم خوب نیست و با این تفتتی که بود همه می‌گفتند این کار مفید است برای اینکه رقابت علمی ایجاد می‌شود و مطالب کتابها بهتر می‌شود ولی دیدیم که نشد و مطالب کتابها در بعضی رشته‌ها نسبت بسالهای قبل بدتر شد بنا بر این وظیفه اصلی وزارت فرهنگ اینست که درباره متن کتابها هم توجه و وقت کند اینکار بوسیله تأسیس يك دارالتألیفی که مجمع يك عده معلم میرز فاضل باشد باید انجام بگیرد و تمام کتابهای درسی مورد تجدید نظر و بررسی قرار گیرد و در رشته‌هایی که لازم است از نو کتاب تازه تألیف می‌شود لاقلاً اگر تمام کتابهای تمام دوره‌ها در ظرف یکسال مورد تجدید نظر دقیق قرار نگیرد باز نو تألیف نشود لاقلاً کتابهای اول هر دوره برای کلاس‌های سال آینده به بهترین صورتی منتشر شود این توضیح را مختصر عرض کردم ولی همانطوریکه در اول مطلب عرض شد در این باب بسیار مفصل است و بنده هم وقت آقایان نمایندگان محترم را بیش از این نمیگیرم (صحیح است) (مهندس والا - بنده در این قسمت توضیح دارم)

رئیس - آقای فخر طباطبائی

فخر طباطبائی - بنده از فرمایشات جناب آقای وزیر فرهنگ که بایک روح صمیمیت و خلوص مشکلات خودشان را اجمالاً فرمودند متشکرم و آقایان نمایندگان هم کم و بیش واقف هستند باین مشکلات همانطور که عرض کردم این مشکلات نتیجه عدم پیش بینی در گذشته بوده است وزارت فرهنگ نمی‌تواند مسأله آموزش و پرورش را ندیده بگیرد و این چیزی نیست که بتواند با تصمیم خلق الساعه روی آن اقدام و عملی کنند بایستی اینکار نقشه داشته باشد پیش بینی شده باشد در تمام جهات کار بنده يك مسائل ظاهری را می‌بینم چون در کار آموزش و پرورش تخصص ندارم این مسائل واقعی را خود آقایان و ارباب فن که سالها در این قسمت کار کرده‌اند و خدمت کرده‌اند بیشتر واقف هستند بایستی بیشتر باین مسائل توجه کنند و من تشکر دارم از اینکه موضوع کتاب و مشکلات آنرا جناب آقای وزیر فرهنگ با لراجه فرمودند در اینجا شکر کنی که متصدی اینکار شده است تأخیر کرده است و البته باید رفع تأخیر بشود البته باید به عموم دانش آموزان کتاب داده بشود و رفع مشکلاتشان بشود

التهایه برای کتاب بنده فکر میکنم البته این بازم فکر من است که ظاهر کار را می‌بینم و تخصصی در اینکار ندارم نمیتوانم بیش از این اظهار نظر کنم خود آقایان فرهنگپها بیشتر از بنده متوجه این قسمت‌ها هستند که رفع مشکل از محصلین بنمایند و تکلیفشان را معلوم کنند باید کتابی که می‌خواهند تدریس شود هیأتی بنشینند و صحت بگذارند برای چند سال که این کتاب در مدارس تدریس بشود و بگویند این مال کلاس چندم است و آن یکی مال آن کلاس که هر سال هر کسی نیاید اظهار سلیقه بکند و این کتاب را بالا و پائین بکند و جناب آقای وزیر فرهنگ هم باین نکته‌ای که عرض میکنم توجه دارند بنده سالهای قبل کتابهایی را دیدم که بعنوان کتاب جدید منتشر شده در صورتیکه مطالب اساسی تغییر نکرده است تصویری که در پائین کتاب بوده است بالای کتاب آمده است یا به صفحه دیگری منتقل شده یا اسامی تغییر کرده اینها را توجه بفرمائید انتظار هم همین است که انشاءالله در زمان تصدی شما که واقعاً مردی متین و خدمتگزار هستید همین مسأله کتاب را که فرمودید مشکلاتی داشته و رفع شده و رفتن به جنگ منافع مردم البته اینکار آسانی نیست و بسیار کار مشکلی است و باین مشکلات البته بر می‌خورد و شاید هم خودش ایجاد اشکال می‌کند ولی اینها را هم شما توجه داشته‌اید و امیدوارم این تحمیلی را که مردم این یکی دو ماهه کرده‌اند تمام بشود و در آینده انشاءالله اینگونه مشکلات پیش نیاید و يك وضع منظمی پیش بیاید و بنده بیش از این عرضی ندارم.

رئیس - آقای وزیر فرهنگ فرمایشی دارید بفرمائید.

وزیر فرهنگ (دکتر خالری) - بنده دیگر عرضی ندارم جز اینکه از توجه نمایندگان محترم تشکر کنم و اظهار امیدواری باینکه در خدمتی که به بنده محول شده است مادام که در این خدمت هستم هر چه بیشتر توفیق حاصل کنم (نمایندگان - انشاءالله).

رئیس - آقای اقبالی بفرمائید.

اقبالی - عرضهای از تونو نکران شهرستان آستارا

به بنده رسیده است که تقدیم مقام ریاست میکنم.

۴- تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ

رئیس - آقای وزیر فرهنگ بفرمائید.

وزیر فرهنگ - لایحه ای است که تقدیم میکنم و موضوع لایحه را باختصار برای توضیح عرض می کنم در سالهای گذشته يك مقدار بناهای فرهنگی شروع شده است اما بدون پیش بینی اینکه چه مقدار سرمایه و اعتبار برای اتمام این بناها لازم است و بالتیجه در اثر مضیقه های مالی که برای وزارت فرهنگ و دولت ایجاد شد مقدار زیادی از این بناها ناتمام مانده و این موجب ضرر مادی است و موجب خسارت هر دستگاهی است که کارش را نیمه تمام بگذارد از قبیل این موارد يك زمین هایی در ضرابخانه بایک عمارت نیمه کاره گرفته شد برای استفاده فرهنگ اما برای تکمیل آن ساختمان اعتبار بدست نیامد و آن ساختمان نیمه تمام ماند يك بنائی در سر راه مهرآباد است که آقایان ملاحظه کرده اند که بعنوان دبیرستان محمدرضا شاه عمارتی طبقه با سالن سینما و غیره که همچنان نیمه کاره مانده در معرض انظار کسانی که وارد کشور یا خارج میشوند قرار میگیرد چندسال قبل اعلیحضرت همایون شاهنشاه يك میلیون تومان مرحمت فرمودند به وزارت فرهنگ برای اینکه از محل منافع و درآمدهای پول به فرهنگیان شکسته و کار افتاده بی که حقوق عادی بازنشستگی آنها کفاف معیشتشان را نمی دهد کمک هایی بشود این پول را چند سال پیش خرج اتمام ساختمان دبیرستان کردند بالتیجه آن فرهنگیان مجروح شدند از آن مزایائی که از این بابت داشتند آنچه نصف کاره ماند با بنظر بق چند بنای نیمه کاره و ناقص باقی ماند از این جهت بفرس این افتادیم آن عمارت ضرابخانه ، آن زمین ضرابخانه که مورد احتیاج بانک مرکزی است و اصرار دارد که آنجا را بخرد در صد در آمدیم که آنجا را بفروشیم بی بانک مرکزی . بعد از محل قیمت فروش آن اولاً آن دبیرستان ها را اتمام بکنیم ثانیاً آن يك میلیون تومان اهدائی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را بگذاریم . سر جایش ثالثاً اگر مازادی ماند باز دستانی بسازیم اما برای این يك میلیون تومان هم اینطور در نظر گرفته شد که باز آن يك میلیون تومان را صرف کنیم که لااقل پنج تا مدرسه بسازیم آن مدرسه ها را وزارت فرهنگ مطابق مقررات عادی اجاره بکنند و مال الاجاره آن در واقع درآمد آن سرمایه ای خواهد بود که پرداخت خواهد شد بان کسانی که مقرر بوده است از این محل استفاده بکنند با بنظر بق هم بناهای نصفه کاره

تمام شده است ، و هم چند مدرسه تازه ساخته شده الهت و هم مبلغی که اعلیحضرت همایونی مرحمت فرموده اند برای مصرف واقعی خودش مانده است این لایحه را تقدیم میکنم (چند نفر از نمایندگان - شهرستانها و دهات را هم در نظر بگیرد .)

رئیس - بکمیسو نهایی مربوطه ارجاع میشود . آقای وزیر فرهنگ .

وزیر فرهنگ - از یادآوری که آقایان نمایندگان محترم فرمودند درباره دهات و شهرستانها بنده بایستی تشکر بکنم . ما قریب هفتاد و پنج درصد از جمعیتمان در دهات ساکنند (صحیح است) اما تا بحال برای اینها فکر زیادی نشده است از جمله کاری که مربوط به بنده است درباره فرهنگیان کار زیادی تا سال گذشته انجام نگرفته بود . چرا نشده بود ؟ بچند دلیل ، یکی اینکه واقعا وضع اجتماعی ، وضع مالکیت در مملکت ، البته همه جا عرض نمیکنم ، هر امری استثنا دارد اما در بسیاری از جاها نمی گذاشتند قائل نبودند فرزندان روستائی ها تحصیل بکنند (صحیح است) و درس بخوانند (صحیح است)

عرض کنم این یکی از علل بود ، علت های دیگری هم البته باین ضمیمه میشد و آن علت ها این است که ما دارای مملکتی هستیم بسیار وسیع ، با جمعیتی نسبت مساحت کم ، فواصل آبادیها بیمان بهم بسیار زیاد و این امر باعث میشود که هر نوع اقدام عمرانی و آبادانی در این کشور بر مراتب مشکلت و گر اتر تمام میشود از يك ممالکی که جمعیت های انبوهی در يك فضای کمی هستند و طبعاً همه جور کارها و همه جور اقدامات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آسانتر انجام میگیرد این آسان نیست برای ما که از يك ده ، از يك شهر ، آخر تهیه بکنیم و بفرستیم پنجاه فرسخ آنظر فتر برای اینکه يك مدرسه چند اطاقه بسازیم (ارسنجانی - با خشت بسازید) بالتیجه خیلی گران تمام میشود و ممکن نیست غالباً در آن محل مصالح تهیه بکنیم (چند نفر از نمایندگان - با خشت بسازید) اگر اجازه بفرمائید تمام جزئیات قضیه را عرض خواهم کرد ، عرض کردم اینهم یکی از مشکلات ماست مشکلت دیگر که خیلی قابل توجه است این است که این نوع اقدامات عمومی ، اقدامات اجتماعی که بایستی از محل درآمد ملی انجام بگیرد تناسب دارد با میزان درآمد ملی یعنی بحسب درجه فقر و غنای مملکت

میتوان در این نوع اقدامات پیشرفت حاصل کرد پس در بسیاری از مواقع بر میخوریم باین اشکال که اصلاً سرمایه ما تکفوی این مخارج را نمیکند این مقدمه را برای این عرض کردم که واقعا برای دهات کم توجه کردیم مخصوصاً در قسمت فرهنگ . این طرح عالی فرمان عالی شاهنشاه درباره تشکیل سپاه دانش اولین قدم بود برای رخنه کردن فرهنگ در روستاها ، (صحیح است) و این مطلب رانه بنده از خودم میگویم بلکه حتی داخلی و خارجی ، بسیاری از خارجی ها که آمده اند گزارش داده اند ، رسماً نوشته اند که میتوان از حالا گفت که فرهنگ در دهات رخنه کرده است اما باید این راهم عرض کنم که خودمان را خیلی بالا نگیریم یا تصور نکنیم که کارها تمام شده است باید عرض کنم ما پنجاه هزار آبادی در کشور داریم و برای هر کدام فرض کنیم يك معلم و يك سپاهی دانش باید بفرستیم حالا هنوز خیلی دوریم از این مرحله ماسه هزار نفر تا بحال فرستاده ایم امیدواری داریم در سالهای آینده تا سالی هفت هزار تا تربیت کنیم و بفرستیم باز هم ملاحظه میفرمائید که هنوز کم بود چقدر است و احتیاج چقدر بیش از امکان . حالا که گفتگو شده است اجازه بفرمائید يك مطلبی را عرض کنم که موجب سرافرازی خود من است نه بعنوان وزیر فرهنگ ، بلکه بعنوان يك فرد ایرانی ، این جوانان ما که در سپاه دانش تربیت شده اند و بروستاها فرستاده شده اند بقدری با صمیمیت ، بقدری با فداکاری فعالیت کرده اند که حتی مافوق انتظار ما بود (صحیح است)

این توفیق عظیمی که در این راه حاصل شده است البته يك قدری افتخار بان کسانی که مجری این طرح بوده اند میرسد اما افتخار بزرگ بملت ایران میرسد که جوانانش نشان دادند قابلیت و لیاقت دارند بخلاف گفته مردم بدبین جوان ایرانی از هیچ ملت دیگری در خدمتگزاری مملکت در وطن پرستی کم نیست ، اگر بیشتر نباشد و این جوانهایی که بده رفته اند غالباً وضع روستاها را بکلی دیگرگون کرده اند از بس جزئیات امور پر داخته اند ، بمسائل عمرانی پرداخته اند بمسائل ده پرداخته اند و با مردم روستا هم دردی کرده اند این از يك طرف موجب کمال امیدواری و سرافرازی است و از طرف دیگر ملتی که تا این درجه هشیار و بیدار است که باین شوق استقبال میکنند از يك معلم ملتی است که باید واقعا مورد تحسین باشد و افتخار هر کسی

است که بگویم جز این ملت . ملت ایران سواد ندارد اما شعور دارد و فهم دارد باین جهت است که این جوانان سپاهی دانش را همه جا چنان با آغوش باز پذیرفته اند و چنان منت دارند از آنها و چنان شوق تحصیل دارند روستائیان که مافوق این پیش بینی نمیشود کرد . در بعضی از روستاها خانمهای دهاتی سبقت گرفته اند بر مردان در درس خواندن در بسیاری از جاها شماره دخترانی که درس میخوانند بیشتر از پسران است البته علتش آشکار است علتش این است که بایسر ها بشل دیگری در مشاغل روستائی مشغولند یا اینکه میتوانند بروند بده مجاور این است که غالباً دختر ها در کلاس میمانند و بالتیجه عده دختر های سر کلاس بیش از تعداد پسر هاست در بعضی از جاها این جوانها را بعنوان يك فرشته رحمت حساب میکنند و این جوانها هم همین هائی هستند که مردم بدبین میگفتند که جوانهای ایرانی همت ندارند ، شلند ، خیابان کردند ، ولنگارند . این جوانها بمناطق هائی رفته اند در دهات دور دست که وسائل زندگی واقعا بصورت ابتدائی است و کمتر مأمور دولتی داوطلب میشود برود آنجا غالباً پای مأموری نرسیده است بانجاها ولی این جوانها رفته اند آنجا و در آن منازل روستائی مثل روستائیان دیگر زندگی کرده اند و زندگی خودشان را وقف خدمت ب مردم آن منطقه کرده اند (صحیح است) این امر ، این قدمی که برداشته شد چنانکه عرض کردم موجب سرافرازی است ، اما کارمان هنوز بانجام نرسیده است . بنده باید چند نکته را باختصار بعرضتان برسانم برای اینکه اطلاع اجمالی از وضع فرهنگ مملکت داشته باشید ما تا این تاریخ اگر حسابمان درست باشد . بچه هائی که در سن تحصیل هستند ، یعنی بچه هائی که از شش سال بیشتر دارند و از سیزده سال کمتر بچه هائی که در سن شش سال تحصیل ابتدائی هستند فقط در سراسر کشور پنجاه در صدشان بمدرسه میروند یعنی پنجاه درصد از مردان آینده مملکت از همین حالا از دانش و وسائل تحصیل محرومند تحصیل ابتدائی بنظر بنده جزء حقوق بشری است . جزء حیثیت انسانی است . در دنیای امروز نمیتوان بی سواد بود این امر عمومی است . اما برای مملکت ما اهمیت ولزومش از خیلی جهات دیگر و بدلائل دیگر خیلی بیش از این است این برای ما

مسأله حیاتی است که تمام افراد مملکت بیك زبان رسمی مملکت بتوانند بخوانند و بنویسند و حساب کنند این مسأله حیاتی است عرض کردم (صحیح است) تابحال در این باب از این حیث شاید بتوان گفت غفلت شده است چرا غفلت شده ، راستش این است که ظلم کرده ایم حق بعضی را گرفته ایم و بعضی دیگر داده ایم حق تمام افراد ایرانی این است که بتوانندش کلاس درس بخوانند .

اما اگر ما وسایل تحصیل درجات بالاتر را نداریم بایستی از روی عدل بهر درجه که وسایلمان دستگاهمان اجازه داد برای همه متساوی وسایل تحصیلات را فراهم بیاوریم اگر طوری شد که ما برای یکمده وسایل تحصیلات بالاتر را با عالیترین مقام بطور مجانی فراهم کنیم یعنی دولت یعنی با پول ملت و آنقدر که پولمان رسید برای بعضی دیگر وسایل خواندن انحصاراً تهیه نکنیم معنیش این است که ظلم کرده ایم و حق يك عده را گرفته ایم و بدیگران داده ایم این سیاست فرهنگی بنظر بنده عادلانه نبوده است و مفید هم برای مملکت نبوده است آن مفید بود که ماهمه مردم را با سواد میکردیم و بتدریج بالا میبردیم چرا ؟

برای اینکه بنده شاید تصدیق زیاد لازم نباشد بدهم با اطلاعاتی که همه آقایان نمایندگان محترم دارند این مسأله باقتصاد مملکت هم مربوط است یعنی همین تحصیلات مختصر ابتدائی موجب بالا رفتن سطح اقتصاد مملکت می شود و بالنتیجه درآمد مملکت زیاد میشود وقتی درآمد مملکت زیاد شد درجات بالاتر تحصیل را هم میشود تأمین کرد اما مادام که ما يك عده کثیری را با کلا کثرت انبوه مملکت را بی سواد گذاشته ایم اگر انتظار داشته باشیم اقتصادمان ترقی بکند درست نیست بالنتیجه درآمدمان زیاد نمیشود بالنتیجه امکان توسعه فرهنگ هم کمتر میشود بعداً مدیم چه کرده ایم در دهات آن بیچاره ها که سواد نداشتند غالباً بفکر این نبودند که سواد لازم است داشته باشند اما در شهرها آنهایی که قدری درس خوانده بودند میل داشتند مدارج بالاتر را طی کنند بخصوص که در قوانین استخدامی ما هم دیپلم یا پول تعصیر میشود دیپلم قیمت دارد متأسفانه (یکی از نمایندگان - قیمت داشت) آمدیم بدون نقشه بدون اینکه طرح درستی برای خرج کردن این مقدار از مال ملت که باید صرف فرهنگ بشود وجود داشته باشد بخواهش این و آن بفشار این و آن هی دبیرستان

درست کردیم گوشه و کنار دبیرستان دروغی ، تعجب نفرمائید که چرا میگویم دبیرستان دروغی ، دبیرستان جائی است که اول باید معلم صاحب صلاحیت داشته باشد وسایل لازم داشته باشد لا بر اتوار داشته باشد و غیره ، وقتی که ما يك جائی را اسمش را گذاشتیم دبیرستان و معلم کافی ندارد و یا معلم صالح ندارد ، لا بر اتوار ندارد وسایل تربیت ندارد این دبیرستان دروغی است بارها بحث شده است که کیفیت تحصیلات در مملکت ما خوب نیست پارها گفته شده است در تمام محافل که دیپلمه های مایسوادند یا کم سوادند ، ولی در عین حال همان کسانی که شکایت میکردند از کم سوادی شاگردان ، همان ها فشار میآوردند که آقا شما دبیرستان درست کن ، يك دبیرستان در این شهر يك دبیرستان در آن شهر و توجه نمی فرمودند باین امر که این دو امر از نظر کیفیت با کمیت متضاد است ، اشکال توسعه دبیرستانها از حیث جنبه مالی آن نیست مشکل انسانی در میان است یعنی ما باید اول آن مقدار معلم تربیت کنیم و داشته باشیم که بتوانیم آنها را بدبیرستانها مأمور کنیم بعد دنبال این برویم که پولش را از کجا بیاوریم اما تنها با پرداخت حقوق ، معلم خوب بدست نمی آید . امسال صورتی به بنده دادند که احتیاجات همین دبیرستان های موجود شهرستانها بانواع دبیر چندر است ؟ ۱۲۰۰ دبیر می خواستیم برای اینکه بفرستیم بشهرستانها تا در همین مدرسه های ناقص چاله ها را پر کنیم . از این جمله صورت ریز سیصد لیسانسیه ریاضی میخواستیم ۲۳۰ یا چهل لیسانسیه فیزیک میخواستیم همچنین باین نسبت لیسانسیه قسمت طبیعی و زبان خارجه میخواستیم اعلان کردیم تصور میفرمائید که چندتا گیرمان آمد؟ توجه بفرمائید برای جای ۳۰۰ دبیر لیسانسیه ریاضی ۷ تا گیرمان آمد توجه میفرمائید؟ ۷ تا ! چه کنیم ؟ پس این دبیرستانهایی که عرض کردم دروغی بود در يك شهرستان يك دبیرستان درست می کنند و خیال می کنند که معلم فارسی دارد ، چون این اشتباه هست . خیال می کنند هر کسی فارسی حرف می زند میتواند فارسی درس بدهد ولی خوب معلم فیزیک دیگر مدعی ندارد مگر کسی که فیزیک بلد باشد معلم فیزیک هم پیدا نمیشود چه کنیم ؟ میرفتند آنجا بیشتند که فرض کنند رئیس گمرک محل فیزیک بلد است ، خوب بیاید حق التدریس بگیرد و درس بدهد ولی بسا ممکن است که شخصی این فن را هم

خوب بداند اما معلمی يك کار فنی است و يك حرفه ای است کار فنی نیست که ضمن اینکه کسی يك کار دیگری دارد نباید يك کار معلمی هم بکند باین طریق نمیشود اما این نکته را هم صریحاً عرض کنم از يك طرف همه اینها دیپلم میگیرند همه تحصیل کرده متوسطه هستند اما در شرایط غیر متساوی یعنی یکی در يك مدرسه ای تحصیل میکند که معلمین ورزیده داشته و وسایل کامل دارد ولی دیگری در جائی بود که هیچ وسیله یا معلم خوبی نداشته است البته بایستی یا از شاگرد مؤاخذه کرد و یا از دستگاہی که نتوانسته برای او وسیله فراهم بکند مسلماً تقصیر دستگاہ است اما باین عنوان که تقصیر دستگاہ است نمیتوان بکسی که درس نخوانده است باو بگویند تو درس خوانده ای ملاحظه بفرمائید کار از همین جا می لنگد همه جایش خراب است بعد اشکال دیگر توجه باین اعداد بفرمائید ۱۲ هزار نفر وارد کلاس اول متوسطه میشوند و کمتر از ۲۰ هزار نفر از کلاس ششم فارغ التحصیل میشوند یکصد هزار نفر در این میان ضایعات داشته است ۱۰۰ هزار نفر اگر تصور کنیم تحصیلات متوسطه يك سلسله تحصیل متوالی است که بنهایت برسد پس منظور پایان کار است یعنی وسط کار اگر يك کسی ۲ کلاس خواند بد چیزی بلد نیست سه کلاس خواند دید چیزی یاد نگرفته این را اگر در نظر بگیریم ناچارم که شرح بدهم که صد هزار نفر ضایعات داشته برای هر يك از این افراد در سال هزار تومان خرج میشود هر شاگرد مدرسه متوسطه برای مملکت در سال ده هزار ریال تمام میشود پس صد هزار نفر ضایعات نفری ۱۰۰۰ تومان در سال میشود یکصد میلیون تومان سالی یکصد میلیون تومان (یکی از نمایندگان - ده میلیون تومان) یکصد هزار نفر نفری هزار تومان یکصد میلیون تومان ضایعات میشود این را استدعا میکنم توجه فرمائید ، این ضایعات نتیجه چیست ؟ یا تقصیر شاگرد است یا تقصیر معلم شق سوم ندارد یا شاگرد استعداد کافی نداشته است برای اینکه این درس را بخواند و وسط کار ول کرده و رفته است یا معلم با اندازه کافی باو توجه نکرده است که کارش را تمام کند در هر دو حال این نتیجه را میگیریم که پس دبیرستان باز کردن بدون مقلعه و بدون داشتن وسایل و بدون داشتن معلم لایق کار غلطی است و موجب زیان کشور است و بموجب بر باد دادن سرمایه کشور است بعد میآئیم

يك نکته دیگر ، عرض کنم که این عده ای که از دبیرستان درآمده اند با هر شرایطی که باشند اینها چه بکنند ، عده ای از اینها میروند به دانشگاههای داخل و خارج اما همه شان نمیتوانند که بروند دانشگاه ، یکمده شان میمانند دستگاہهای مختلف اقتصادی کشور و آذاری کشور ما احتیاج با دم دارد در کشور ما بیکاری وجود ندارد بیکارگی وجود دارد يك اداره یا يك دفتر تجارتي يك مؤسسه خصوصی يك منشی میخواهد يك ماشین نویس میخواهد یکمده هم دیپلم دارند این دیپلمه ها با کردن کج میروند رجوع می کنند بمؤسسات که کارما بدهید میگویند کار نیست اما همان مؤسسات در بدر می کردند دنبال يك ماشین نویس و يك محاسب و او را با حقوق کزاف استخدام می کنند از این مقدمه چه برمی آید گمان میکنم ما برای احتیاجات مملکتمان آدم تربیت نمی کنیم ، احتیاجاتی داریم و آنها محلس خالی میمانند اما يك عده دیگری تربیت می کنیم که احتیاج نداریم پس باید درین باب فکری کرد آقای نماینده محترم آقای فخرطباطبائی فرمودند که طرح باید داشته باشیم بقیینا کار فرهنگ ما مثل همه امور دیگر شده است بدون نقشه دیگر نمیتوانیم کاری انجام بدهیم کار از این گذشته است که به فنن و بدلخواه این و آن يك کلاس به بندیم و يك کلاس باز کنیم حساب باید بکنیم که بدانیم چه باید بکنیم حالا باید حساب نیروی انسانی مورد احتیاج را بکنیم . تابدانیم که در چه رشته هایی آدم میخواهیم ، مثال میزنم . در دبیرستانهای دخترانه يك رشته خانه داری داریم روز اول که این رشته تأسیس شد باین قصد بود که دخترهایی که نمیخواهند تحصیلات مشکلی بکنند بروند این رشته را بخوانند قدری امور خانه و زن دگی را یاد بگیرند و بعد بروند شوهر کنند و خانه خودشان را اداره کنند ، این رشته خانه داری برای نگهداری خانه دیگری نیست برای نگهداری خانه خودشان است اما در آن موقع هنوز شاید خانها اینقدر وارد جامعه نشده بودند ، وضع اقتصادی مملکت هنوز بصورتی در نیامه بود که ایجاب بکند زن و شوهر کار بکنند یا اینکه زن بعلت اینکه شوهر ندارد و یا بعلت اینکه شوهرش را از دست داده لازم باشد که کار بکند و حالا ما رشته خانه داری داریم بدون اینکه محلی برای استفاده از این عده باشد ولی بسیاری کارهای دیگر

در مملکت هست که آدم میخواد بسیاری از بیمارستانها هست که احتیاج به بهیار دارد، تمام بیمارستانها حتی در کشورهای اطراف احتیاج به این رشته و فن هست، این کار منشیگری يك فنی است غالباً می بینم اشخاصی که کار و بارشان از نظر مادی خوب است دخترها را میفرستند فرنگ میبرسیم برای چه کاری، دو چیز را عنوان ذکر میکنند یکی منشیگری و یکی هم يك اصطلاح تازه ای باب شده است استتیک، استتیک يك شعبه ای از فلسفه است در اصل که حالا این کلمه برای اینکه تعارفی کرده باشند اطلاق میشود به سلیمانی و آرایشگر (دکتر شادمان، مشاطه گری) خوب اینها چه لزومی دارند که بخارج بروند اگر مورد احتیاج مملکت است میتوانیم همین جا رشته ای درست کنیم این دیگر ماشین آلات سنگین نمیخواد، لابراتوارهای عظیم نمیخواد بنابراین بجای اینکه رشته هائی در در مملکت باشد با خرج هنگفت که ما ندانیم حاصل آن چیست و بچه درد میخورد سعی نکنیم رشته هائی درست نکنیم که بدانیم بچه درد می خورد باین جهت وزارت فرهنگ در نظر گرفت با توجه باین نکات که شعبه های متعددی در دبیرستانها درست بکنند يك اشتباهی هم در اذهان حاصل شده بود از چندی با بنظر ف که تحصیلات حرفه ای خیال میکردند منحصر است به بخاری، آهنگری و مثلا تعمیر اتومبیل، تحصیلات حرفه ای یعنی هر نوع تحصیلی که برای اشتغال بشغل خاصی لازم باشد مفید باشد این بنا بر این تحصیلات حرفه ای شامل منشیگری، شامل بهیاری، شامل امور بازرگانی، شامل رشته خبرنگاری عکاسی و غیره شامل همه اینطور چیزها هم باید باشد. چهار رشته تازه در نظر گرفته شده است که امیدواریم از همین امسال این رشته ها را باز بکنیم منتهی با حساب برای احتیاجات مملکت نه اینکه در این جا يك مرتبه برویم و پنجاه هزار خبرنگار روزنامه تربیت کنیم که بعد بیکار بمانند بآن اندازه که ممکن است در چند سال آینده برایشان کار باشد. شغل باشد (دکتر الموتی - خبرنگاران فعلی هم بیکارند) چندان هم بیکار نیستند اگر خبری پیدا نکردند خودشان میسازند (دکتر شادمان - با فرمایشات جناب عالی خبر فراوان است) عرض کنم این کاری است که در دوره تحصیلات متوسطه باید کرد تحصیلاتی که میانه دستانی و دانشگاه است اما در دانشگاه هم همچنین رشته هائی را باید ایجاد کرد و تقویت

کرد که مورد احتیاج است، مملکت مجبور نیست که سرمایه اش را صرف این بکند که يك آقائی هوس میکند بیکه يك رشته تفنی بخواند، جلوی او را میخواستیم بگیریم بخواند اما از جیب ملت نخواند آن کاری که برای ملت مفید نیست، آن رشته ای که برای ملت مفید نیست خودش سرمایه دارد هر رشته ای که دلش میخواد تحصیل بکند باین جهت مجبور شدیم که در سال گذشته بعضی از موسسات را بستیم زیرا که مطابق مصالح مملکت اداره نمیشد و درست نبود در مقابلش موسسات دیگری باز کردیم ما در سال آینده از پشت این تریبون عرض میکنم احتیاج بچند هزار معلم لیسانسیه ریاضی، فیزیک، شیمی خواهیم داشت (بکنفران نمایندگان دانشرا را که منحل کردید) برای این منحل کردیم دانش سرا را که آن دستگاه را بکلی باطل و خلاف نیت آن اصلی بود که از تأسیس آن در نظر بود، ما احتیاج داریم که دبیر بتواند برود سر کلاس و دوسه ماده را درس بدهد این درست نیست که بیائیم دانش سرائی به تفنن درست بکنیم بعد رشته جغرافیای محض روانشناسی محض و عده زیادی تربیت بکنیم برای درسی که در دبیرستانها فقط دو ساعت درس دارد، برای این کار متخصص درست بکنیم، معلمی که بهش حقوق میدهیم، حقوق کافی میدهیم باقی وقتش باید بیکار نماند و یا درسی را بدهد که نخوانده است، بنابراین باید مطابق احتیاجات مملکت معلمی تربیت کرد که بتواند چند رشته در دبیرستانها که مورد احتیاج است و جز به برنامه است درس بدهد، در مشهد دانشکده علوم تأسیس کردیم در تبریز دانشکده علوم تأسیس کردیم برای این نوع احتیاجات و اینکه این جا بنده عرض میکنم و تکرار میکنم برای این است که مسئله تفاوت بیکاری و بیکارگی را باید بجوانهای مملکت گفت آنها هم تقصیر ندارند باید گفت که اگر این درس را خواندی این مزایا را خواهی داشت وضع معاشت تامین خواهد شد و اگر آن رشته را خواندی قول نمیدهم پیش بینی نمیکنیم که بتوانی کاری پیدا بکنی ولی در آن رشته کار خواهد بود بنده نتیجه میگیرم از عرایض پس وظیفه وزارت فرهنگ بنظر بنده فعلاً دو امر است یکی تعمیم تحصیلات ابتدائی بطور عادلانه برای تمام افراد کشور تمام بچه هائی که در سن تحصیل هستند برای اینکه حیثیت انسانی کسب بکند برای اینکه

لیاقت عضویت در يك ملت قدیم، شرافتمند و پرافتخار را داشته باشد (صحیح است) در درجه بعد تربیت افرادی که مورد احتیاج دستگاههای مختلف مملکت است، این دو امر و وظیفه بر عهده وزارت فرهنگ است هر چه از اینها تجاوز کند تجمل است بنده دلم میخواد که هزار جور تحصیلات مختلف عالی و متوسطه در مملکت باشد رشته های فنی، زبانی، در عالم نماند که در مملکت ما امکان ایجادش امکان تحصیلش نباشد اما اینها تجمل است و مرحله بعدی است اجازه بفرمائید ما اول زبان رسمی مملکت خودمان را به همه بچه هایمان یاد بدهیم از بزرگ ها گذشته است که بچه ها بتوانند از عهده خواندن و نوشتن بر آیند آنوقت فرض بفرمائید یکی از زبانهای دور افتاده تفنی هم بدنست که ما چند نفر داشته باشیم که زبان بعضی از قبایل سرخ پوست مکزیک را بداند، بله بدنست خوب هم هست اما الان این امر ضرورت فوری ندارد رشته هائی است از این قبیل با این طرح تعمیم تحصیلات عمومی و تأمین احتیاجات فنی کشور برای مشاغل مختلفی که در آینده پیش خواهد آمد اگر این دو کار را فرهنگ، بتواند بکند خیلی هنر کرده است و کارهای دیگر را اگر بعد هم نکرد یقین دارم که آقایان نمایندگان عیب نخواهند گرفت و يك نکته را عرض میکنم باز قابل توجه است، عرض کردم در ابتدای بحث خودم که پیشرفت امور اجتماعی که بعد از دستگاههای دولتی است يك تناسبی هم دارد با سرمایه ملی بامیزان ثروت ملی با درآمد ملی، ما فعلاً از بودجه خودمان، از بودجه رسمی دولتیمان در حدود بیست درصد صرف فرهنگ میشود، از بودجه سازمان برنامه، بودجه های شهرداری مبالغ بیشتری که خیلی قابل توجه است این بیست درصدی که عرض میکنم برای این است که بگویم این کم نیست، کم کشوری است که بیست درصد از بودجه اش را صرف فرهنگ بکند در یکی از مجامع بین المللی تعلیم و تربیت که بنده حضور داشتم از جمله تصمیمات این بود که توجه کنند دول عضو که سعی بکنند مصارف فرهنگیشان را تا میزان چهار درصد درآمد ملی برسانند توصیه کردند به تمام مملکت های دنیا، بنده تحقیق کردم که این چیست حسابش کجاست و ما چقدر خرج میکنیم، حسابی که بنده کرده ام اگر این حساب درست باشد، اگر راست است که درآمد سرانه ملت ایران فعلاً

در حدود ۱۷۰ دلار در سال است و اگر راست است که ما در حدود بیست و دو میلیون نفر جمعیت داریم آنچه که تخمین میزنیم آنوقت مجموع مخارجی که ما برای فرهنگیمان میکنیم از پنج درصد درآمد کل ملت تجاوز نمیکند و این مبلغ بقدری زیاد است که گویا مثلاً ممالک متحده امریکای شمالی توانسته اند مخارج فرهنگیشان را باین میزان برسانند، وزیر فرهنگ یکی از کشورهای کهنه و قدیم اروپائی که بفرهنگ شهرت دارد اینجا بود از او پرسیدم که شما چند درصد بودجه تان را صرف فرهنگ میکنید گفت کمی بیش از هفت درصد اما این نکته را باید عرض کنم در همین مملکت افتخار می کرد که ما کارمان بجائی رسیده است که اخیراً قانونی گذراندم و تحصیلات عمومی را رساندیم به ۹ کلاس مملکت اطریش مملکتی که سابقه بسیار قدیم تمدن دارد مخصوصاً در فرهنگ تازه رسانده اند به ۹ کلاس یعنی این مقداری است که دولت بعهده میگیرد تأمین کند وسایل تحصیل را حساب این را بکنند که آیا درست است که ما توقع داشته باشیم که تا ۱۵ کلاس تأمین بکنیم و مجاناً درس بدهیم این امکان پذیر هست اصلاً این بیست درصدی که ما از بودجه خرج می کنیم باضافه منابع بود درآمد های متعدد دیگر هنوز با اندازه نصف احتیاجات مملکتیمان نیست چرا؟ برای اینکه مخصوصاً در اثر اقدامات اصلاحات ارضی دهقان ایران که حالا احساس شخصیت می کند رو آورده بفرهنگ و میخواد درس بخواند دیگر قبول ندارد که بچه اش درس نخواند اینست که يك هجومی يك حمله ای شده است بفرهنگ برای اینکه همه مردم میخوانند درس بخوانند و باید وسایل کار را برایشان فراهم کرد و در مدتی کوتاه باید جبران کرد آنچه را که در طی قرون از آن غفلت شده است و این کار بسیار دشوار است با اینجهت است که اگر بودجه فرهنگیمان را دو برابر بکنیم بیشتر از هزار و صد میلیون تومان اگر دو برابر بکنیم باز هم کار انجام نمی گیرد زیرا باید تازه بفکر آدمش بقتیم تازه باید معلم با اندازه کافی تربیت کنیم تازه باید به فکر بنا و لابراتوار و غیره باشیم بنابراین عرض بنده از ذکر این ارقام و عرض از اینکه به آقایان نمایندگان محترم زحمت دادم این بود که باشکال عظیم امر توجه بفرمائید باید فکرهای دیگری کرد امکان اینکه بودجه مملکت ما در مدت کوتاه دو برابر بشود تا ما بتوانیم بودجه فرهنگیمان را دو

برابر بکنیم گمان نمیکنم عملی باشد پس باید نقشه‌های تازه‌ای کشید فکر تازه‌ای کرد، این کار سپاه دانش و فرمان شاهنشاه کار ابتکاری بود از این جهت که خیلی از مخارجی را که با طرح‌های سابق در نظر می گرفتیم برای تأسیس مدرسه ازین بر دو کار ساده کرد و نتیجه بهتری هم بدست آمد باید از تمام مردم کمک خواست باید از تمام منابع مملکتی کمک خواست برای اینکه این امر عظیم فرهنگ ملی پیشرفتی بکند، یکی از آقایان نمایندگان یادداشتی برای بنده فرستاده اند راجع باینکه چرا دانشکده کشاورزی خراسان را تعطیل کردید برای اینکه دروغ بود دانشکده کشاورزی که زمین نداشته باشد آخر کف اطاق که نمیشود تربچه کاشت باید زمین زراعتی داشته باشد معلم کافی باید داشته باشد لابراتوار باید داشته باشد بعد هم چیز دیگری هم باید داشته باشد پیش بینی آینده کسانی که آنجا درس میخوانند که برای چه محل تحصیل می کنند هیچ پیش بینی نبود فقط یک تابلو زده بودند آنجا و یک عده بچه رفته بودند آنجا در کلاس اول ناچار میبایست دو سال دیگر می گذرانند و چون سه سال وقت بچه‌ها را تلف کرده بودیم ناچار بودیم که یک دیپلم بزرگ کشاورزی هم بآنها بدهیم بدون اینکه اصلاً کشاورزی خوانده باشند از این ببعدهند امیدوارم که آقایان اجازه نفرمایند که سنجدیه قبل از اینکه وسایل تأسیس یک دستگاه فرهنگی فراهم شود یک دستگاهی تأسیس بشود زیرا وقت جوانان مملکت صرف میشود بدون اینکه بدانند و آخر سال خواه ناخواه باید یک کلاس دیگر برود و اما لاجرم این نوع مؤسساتی که مورد احتیاج است ما با وقت تمام باعلاقه تمام مشغول پیش بینی و تدارک کار هستیم و امیدوارم که اگر خود بنده افتخار این را داشته باشم که دارای این سمت باشم بزودی بتوانم خدمتتان عرض کنم که چه مؤسسات وسیعی برای آماده کردن جوانان بقصد اشتغال یک حرفه مفید بقصد خدمت به اقتصاد مملکت تأسیس شده است (احسن) (یکی از نمایندگان - در استان‌ها باشد نه در تهران) البته حتی الامکان این نوع مؤسسات حرفه‌ای و شغل در استانها خواهد بود در تهران بعد کافی جمعیت هست مثلاً برای امور کشاورزی زمین فراهم کردن در تهران مشکل تراست و در شهرستانها مناسبتر است و غیره بنده با عرض معذرت از اینکه تفصیل دادم و تشکر از اینکه با لطف خاصی عریض بنده را گوش کرده‌اید

عرض خود را تمام می کنم.

۵ - بیانات بعد از دستور آقایان: مهندس والا - بالاخانلو

رئیس - نطق‌های بعد از دستور شروع میشود آقای مهندس والا بفرمائید.

مهندس والا - بنده از حضور جناب آقای وزیر فرهنگ که در جلسه تشریف دارند استفاده می کنم و راجع به مطلبی که مورد سؤال جناب آقای فخر طباطبائی بود یک توضیحاتی بعرض مبارکتان میرسانم اصولاً جناب آقای وزیر فرهنگ این مسأله کتب درسی تنها از نظر متون مورد اشکال برای وزارت فرهنگ قرار نگرفته بلکه چیزی که متأسفانه سالیان سال است مبتلا به وزارت فرهنگ است مشکلات بزرگی در این راه پیدا شده و امسال بصورت بارزی نمودار شده مسأله چاپ کتب درسی است، بنده چون رئیس سندیکای چاپخانه‌ها هستم اطلاعاتی در این مورد دارم و متأسفانه اگر بخواهم وارد جزئیات بشوم هم وقت مجلس را می گیرم و هم متأسفانه ناچارم پرده از روی اسرار بسیار نامطلوبی بردارم که چه فعل و انفعالاتی در مورد چاپ کتب درسی انجام گرفته و چه ایادی در این کار وارد هستند از جهت منفعت شخصی و در سال جاری هم تنها مساعدت و موافقت سندیکای چاپخانه‌ها باعث شد که یک مقدار از این مشکلات برطرف شود و من اینجا بالصرحه عرض می کنم که کتبی که الان بدست اطفال داده میشود شاید دو برابر قیمت اصلی بحساب وزارت فرهنگ گذاشته میشود و پولشرا از بچه‌ها میگیرند و مسلماً در این کار صحبت یکشاهی و صد دینار سوء استفاده نیست صحبت میلیونها سوء استفاده است در حالی که بنده تصور میکنم اگر این برنامه‌ای که جناب آقای وزیر فرهنگ دارند از لحاظ تصحیح متون اگر چهار پنج ماه قبل از شروع کلاسها این فکر را عملی بکنید بهیچ وجه من الوجوه اشکالی پیدا نمیشود وقتی صحبت باینجا میرسد ناچارم مشکلات این صنف را که متأسفانه در حال زوال هستند شمه‌ای بعرض برسانم (یکی از نمایندگان - نامه‌ای هم یکی دو روز قبل فرستاده‌اند) عرض کنم صنف چاپخانه‌ها که شاید در بین اصناف بعلت سر و کار داشتن با کتب و مطبوعات میتوانیم آنها را در ردیف اول اصناف قرار بدهیم بعلت عدم توجهی که در گذشته شده همانطور که عرض کردم صورتی در آمده که در حال ورشکستگی کامل فراز گرفته‌اند بدین معنی که در ۱۳۲۲ سه چاپخانه دولتی بیشتر نداشتیم

که این سه چاپخانه هم لازم بود باشد یکی چاپخانه ارتش بود یکی چاپخانه مجلس یکی هم چاپخانه بانک ملی آمدند در یکی از این لوائح بودجه که تقدیم مجلس شد چاپخانه مجلس را بدولت واگذار کردند حق هم همینطور بود بجای آن چاپخانه مجلس که توسعه فوق العاده عظیمی پیدا کرده بود دو چاپخانه دیگر درست شد یکی چاپخانه فعلی مجلس که مورد احتیاج هست یکی هم چاپخانه مجلس سنا اینها قبول است کارهای فوری هست بایستی در مجلس انجام بشود از اول هم انتزاع این چاپخانه با زحمتی که کشیده شده بود بدو لازم بود که سر جایش باقی بماند ولی گفتند که چون اوراق بهادار چاپ میشود باندروال چاپ میشود بعضی اسناد دولت چاپ میشود بسیار خوب اما بعد هر وزارتخانه دستگاه مستقلی آمد چاپخانه درست کرد درست مثل این میماند که بنده و شما اگر در سال احتیاج بدو دست لباس داشته باشیم برویم یک حیاتخانه باز کنیم اصلاً عملی نیست. در حال حاضر در حدود ۲۳-۲۴ چاپخانه دولتی درست شده و روی چاپخانه هم ننوشته‌اند که میزان و مقدار ماشین آلات و حدود سرمایه گذاری چقدر است (صحیح است) یک چاپخانه با سرمایه ده هزار تومان چاپخانه است و یک چاپخانه هم با ۵ میلیون تومان چاپخانه است بنده معذرت میخواهم که وقت مجلس را میگیرم چون واقعاً حیات یک صنفی در معرض مخاطره قرار گرفته و بنده از نظر مسئولیتی که دارم لازم است این توضیحات را بعرض آقایان نمایندگان برسانم در حال حاضر استفاده‌هایی که برای چاپخانه‌ها و ماشین آلات شده باین صورت است که فرض کنید بنده یک ماشین ۱۰ هزار تومانی برای خودم احتیاج دارم میخرم بایک اقساط طولی مدت اما همین ماشین وقتی بحساب دولت گذاشته میشود هزار فعل و انفعالات درست میشود برای ادامه کار چاپخانه‌ها کار گر چاپ و یابگانی لازم دارند کار پردازی لازم دارند خصوصاً در دوائر دولتی هم این مسائل سر بجهنم میزنند حتی ما آمدیم در دولتهای گذشته تصویب نامه‌ای گذرانیم چاپخانه‌هایی که برای دولت ضرر دارد به بندند متأسفانه تا بحال باین تصویب نامه عمل نشده از طرف دیگر مسئله قبلاً توجه در این است که مطابق تبصره ۲۴ قانون معاملات دولتی کلیه کارهای چاپی و مطبوعاتی دولتی بایستی که در کمیسیون تقسیم کارهای دولتی در وزارت دارائی متمرکز شود در حال حاضر شاید در حدود بیست میلیون تومان

این کارها باشد اما وقتی بحسابها رسیدگی میکنیم بیش از یک میلیون و دوست سیصد هزار تومان بیشتر نمی شود ملاحظه بفرمائید برای بقیه چه فعل و انفعالاتی صورت میگیرد که یکی از مشکلات همین مسئله کتب درسی است بنده عرض کردم وارد جزئیات نمیشوم اما بطور مختصر عرض میکنم آمدند یک شرکتی درست کردند بنام شرکت ناشرین کتب بسیار خوب است که کتابهای چاپ شده را بگیرند و توزیع کنند ولی ناشر کتاب مانا حالا ندیدیم کارش چاپ کتاب باشد قراردادای که بسته اولاً یک شرکتی صورتی تشکیل شده آمده‌اند این شرکت صورتی را تشکیل داده‌اند با سرمایه‌ای که سفته بوده ملاحظه بفرمائید که چطور منفعت دارد که آن سفته‌ها را دادند و صدی هفتاد و صدی هشتاد هم منفعت دادند و این است که باین صورت در سال جاری در آمده بود علتش این بود که اینها سه چهار نفرش کتبی درست کرده بودند و قرار بود کتب را هم خودشان چاپ کنند اما در عمل ماندند کار زیاد بود خواستند این انحصار طلبی را ادامه بدهند نتیجه این شد که در اول مهر که باید بدهند نشد وسط مهر ندادند در اواخر مهر ماه دست بدامان مازندند باینکه اینکار واقعاً شاید از نظر پرستیژ نباید انجام میشد اما چون کار مملکتی بود بنده تأکید کردم به تمام رفقای چاپخانه‌ای خودم و نظرشان را جلب کردم که تمام کارهایشان را بگذارند زمین و تاجائی که برایشان میسر و ممکن است این کتب را چاپ بکنند تا اندازه‌ای این کار متمرکض واقع شد و این مشکل بر طرف شد آقای وزیر فرهنگ صحبت از دارالتالیف می کنند بسیار خوب و لازم است که تجدید نظری در کتب درس از نظر متون کتابها و از نظر مطالبی که واقعاً برای فهم و تربیت لازم است بشود اما اگر این فکر را روی اصولی قرار ندهند روی برنامه استواری قرار ندهند چون منافع شخصی عده‌ای در اینکار وجود دارد همین آتش است و همین کاسه در حالیکه مادر حدود بیست روز قبل نامه‌ای بوزارت فرهنگ نوشته‌ایم تا سال آینده در حدود هشت، نه ماه وقت میباشد و ما حاضریم این کمک خودمان را برای رفع مشکل اولیه بدهیم اما من تصور میکنم که همین کار ادامه داشته باشد تا این وقت بگذرد سال دیگر این مشکل برای بچه‌های مردم برای محصلین برای وزارت فرهنگ برای اولیای امور بوجود بیاید بنده چند روز پیش از این از مسجد

سلیمان خبری داشتم که در تهران مصور چاپ شد در آنجا بازار سیاه برای کتب درسی درست شده (دبیم- همه جا شده درست مثل زمان جنگ برای گرفتن فلان سیلو مردم کوبسته بودند همینطور که آقایان نمایندگان فرمودند واقعا این اسباب کمال تأسف است که واقعا يك کار ساده که بایک قدری بی نظری و بیغرضی میتوانیم به بهترین وجه آنرا درست کنیم تا این اندازه خودمان را گرفتار کنیم (دبیم- در آذربایجان صدی هفتاد مصلین کتاب ندارند) همینطور که آقای دبیم مقرر مابند صدی هفتاد مصلین کتاب ندارند و واقعا صحیح است این مسئله فوق العاده قابل توجهی است برای اینکه ما چرا با ایداجازه بدیم که کتابی که يك تومان تمام میشود با منفعت عادلانه سی ریال سی و پنج ریال بدست مردم بدیم (سفی- آنها را که در انبار است توزیع کنند) حتماً منفعتشان ایجاب نمی کند والا توزیع میکردند در صورتیکه این سه موضوع باید از هم تفکیک شود و سه قسمت تقسیم بشود مطلب تهیه کتاب بعهده وزارت فرهنگ باشد چاپ کتاب بدست سازمان صلاحیتدار و چاپخانه های صالح داده شود و نشر کتاب با نظر وزارت فرهنگ حالا اگر مؤسسه ناشری هست بوسیله آنها توزیع شود (صحیح است) از این گذشته ما اگر بایستیم دقت کافی بکنیم يك مسائلی هست جناب آقای دبیم که آدم متأثر و متحیر میشود با کاغذی که در بازار عرضه میشود شاید يك برابر ونیم و دو برابر قیمت اصلی باشد این پول از جیب فروشنده کاغذ در نرسود این پول از جیب میلیونها کارمندان دولتی که ماهیانه صد و پنجاه دوست تومان حقوق دارند و هر کدام چهار پنج بچه دارند از جیب آنها میرود شما ملاحظه بفرمائید میخواهیم وضع کارمندان دولت مرتب باشد اما امکاناتی که بایستی بوجود بیاوریم نه تنها این امکانات را بوجود نمیآوریم بلکه همیشه مانع و رادع میشوند و باعث میشوند که هزینه زندگی مردم بالا برود ، در اینجا خانم نفیسی مرقوم فرموده اند در شهرستانها کتابهای چند سال قبل را میفروشند (خانم نفیسی - دریافت این کار را میکنند) کاملاً صحیح است این يك گرفتاری است که من خیال میکنم تنها مربوط يك حوزه نباشد خیال میکنم مربوط به تمام ایران است و این مشکل را حقیقتاً بایستی وزارت فرهنگ و اولیاء امور بایستی نظری رعایت بکنند مطلب دیگری که قابل توجه نمایندگان است این اختصاص فلان

کتاب برای فلان کلاس جزء معاملات رایج و متداول بود یعنی فلان کسی که کتابی را منتشر میکرد حاضر بود پنجاه شصت هزار تومان صد هزار تومان بدهد تا این کتابش را بگذارند جزو سری و این جلب منفعت مادی سبب شد که فرض کنیم برای يك کتاب فیزیك که يك فرمول ثابتی دارد در همه جای دنیا فرمول آهن همان است درجه حرارت و درجه ذوبش معین است يك متن خیلی ساده ای دارد چگونه میشود ما برای فیزیك ، شیمی ، ریاضیات تا بحال بیست و بیست پنج جلد متنوع داشته باشیم این برای خاطر فعل و انفعالاتی بود که در گذشته انجام میشد و الان وزارت فرهنگ واقعا اگر این کار را بکند نتنها نمیتواند این مشکل را حل کند بلکه مشکلی بمشکلات اضافه میشود بنده عرض را تکرار می کنم کار باید تقسیم بشود تهیه کتاب بوسیله وزارت فرهنگ و با نظارت های ملی انجام بگیرد با نظارت وزارت فرهنگ بخش کتاب بوسیله ناشرین انجام بگیرد با نظارت وزارت فرهنگ اگر کمیسیونهای بیطرفی درست شود میشود به حداقل قیمت و خیلی عادلانه قیمت کتابها را در آورد این مشکل عظیم و لاینحلی شده بنده خیال میکنم با صرف سه روز چهار روز وقت حل میشود بنده از اینکه اجازه فرمودید این عرایض و بعرض مجلس برسد متشکرم امیدوارم آقای وزیر فرهنگ و مسئولان وزارت فرهنگ در این کار اهتمام لازم را مرعی دارند اجازه بفرمائید عین موقومه آقای کیهان بعمائی را که برای بنده فرستاده اند بعرض برسانم .

رئیس - وقت شما تمام شد (دکتر المونی - ده دقیقه وقت خود را میدهم) بفرمائید **مهندس والا -** آقای بعمائی نوشته اند فرمایشات جناب آقای وزیر فرهنگ در مورد دانشکده کشاورزی مشهد حقیقت نداشت بی لطفی فرمودند انحلال دانشکده کشاورزی روی نظر خصوصی و تأسیس دانشکده علوم بناحق بجای آن برای خاطر فردو تابع نظر شخصی بود که انشاء الله بموقع این حقیقت تلخ را روشن خواهیم کرد البته متأسفانه بنده نیز بایستی معترف باشم که خیلی از بی عدالتی ها و غلطی از کج سلیقه کی ها مربوط به نظر های شخصی و تأمین منافع شخصی است و اگر حقیقتاً يك اصولی حکمفرما شود و روی آن اصول عمل شود خیال نمیکند مشکلی بوجود بیاید ما که کار تازه ای نمیکشیم اگر فرض کنیم مادر حال حاضر دو میلیون دانش آموز داشته باشیم کشورهایی که

متجاوز از بیست و بیست و پنج میلیون دانش آموز دارند چکار کرده اند هر کار کرده اند می توانیم کپی کنیم اگر نمی توانیم مجتهد خوبی باشیم افلا بگذارید مقلدهای خوبی باشیم ولی بی نظر ، الان کتابی که يك تومان تمام میشود بمردم چهار تومان میفروشند تازه بموقع هم نمیدهند بچه را بدون کتاب میفرستیم بمرسه خیلی معنوم .

میر افضل - نامه ای از کارگران کارخانه زاینده رود اصفهان رسیده است که تقدیم مقام ریاست می کنم .

رئیس - آقای بالاخانلو

بالاخانلو - بنده يك خاطره تلخی بیادم آمد ناچار شدم از این فرصت استفاده بکنم و بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم بنده فرزندی دارم که دبیلیمه طبیعی است دبیلیم طبیعی گرفته و سال گذشته او را بانگلستان فرستادم که مشغول تحصیل است این نور چشمی عزیز می که با اخذ دبیلیم طبیعی موجب افتخار بنده و فرهنگ شده در نامه ای که از آنجا فرستاده اینطور نوشته است «باباجان چندی پیش یکی از بچه ها داشت از روغن کرمانشاه حرف میزد و میگفت روغن را از شیر درست میکنند ولی من گفتم از بدن حیوان درست می کنند البته طرز درست کردنش را نمیدانم ولی همه بچه ها گفتند نه روغن از شیر درست میشود بابا جان حتماً برایم بنویسید که روغن را چگونه درست میکنند (خنده نمایندگان) من میدانم برای کسی که ۱۲ سال درس خوانده خیلی بد است که نداند ولی بهتر است بیروم تا هیچ ندانم حتماً برایم بنویسید دیگر وقت شما را نمیگیرم البته آقایان از این مطلب خنده شان میگیرد و من گریه ام زیرا من رنج برده ام و این طفل را بزحمت بمرسه فرستادم و با تمام این مشکلات که در فرهنگ ما وجود دارد همه کثراً مدافعه و خوش آمد گویی میکنیم این را باید بگذاریم کنار این دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی مجلسی است که تمام این نواقص بالصراحه باید گفته بشود و این مملکت از حال گذشته خارج بشود تا جایی که برای آینده امیدوار بشویم . بنده پنج فرزند دارم یکیش الان در لندن است و الان دارد متأسفانه در رشته غیر تخصصی خودش درس میخواند برای اینکه خود بدبخش میدانم که چیزی از رشته دوازده ساله اش نیاموخته و هنوز نمیداند که روغن را از شیر میگیرند یا از بدن حیوان و این سیستم فرهنگ ما باید بکلی عوض بشود . فرهنگ

ما فرهنگی است که خود ما میدانیم که چیزی نمیدانیم ذر روزنامه اطلاعات خواندم که ما فوق دکترا درست کرده اند نمیدانم برای چه درست کرده اند چه نتیجه ای دارد همه عنوان میکنیم ولی در عمل همه دروغ است مادر روستاها هیچ کار نکردیم قسمت اعظم مردم این مملکت همان روستائی هائی هستند که از همه چیز محروم بودند از لحاظ فرهنگ هم محرومند و مابه حرف بر گذار میکنیم و صحبت از چاپ و فروش و توزیع کتاب می کنیم اینها مسائلی است که آقایان باید واقعا دقت بفرمایند و تصمیم قاطع داشته باشند که اصلاح بشود نه حرف زده بشود بنده با آقای وزیر فرهنگ هم صحبت کردم و عرض کردم که سیستم فرهنگ ما باید تغییر بکند چهار کلاس ابتدائی و چهار کلاس متوسطه ان ژنرال داشته باشد در چهار کلاس دیگر باید معلوم باشد که این طفل چه رشته ای میخواهد تحصیل بکند چهار سال میخواهد ریاضی بخواند اول کسر معارفی باور یاد بدهند و آنوقت برویم روی جبر ما نمیتوانیم يك دبیلیمه جبر را بزور به کله اش فرو کنیم که دلش خوش باشد که چیز یاد گرفته که در اداره ثبت اسناد کار میکند به چه درد او میخورد اگر امروز ما بخواهیم از فرهنگ نتیجه بگیریم باید باین ترتیب کلاسه بکنیم چهار کلاس ابتدائی برای همه مردم چهار کلاس متوسطه و اطلاعات عمومی و چهار کلاس سوم باید معلوم باشد برای چیست الان آسانسور در مملکت ما باب شده در هر ساختمانی که شما ملاحظه بفرمائید آسانسور گذاشته اند برای این ساختمانی کوه پیکر آسانسور گذاشته اند يك متخصص وجود ندارد که اگر این آسانسور عیب کرد چکارش بکنند تلفن اتوماتیک داریم تلفن خودکار همه آقایان مبتلابه آن هستید ملاحظه بفرمائید دوسه دفعه زنگ میزند و شما خیال میکنید که کسی خانه نیست برای اینکه آن سلکتورها خوب کار نمیکنند دفعه دوم و سوم میگیرید جواب نمیدهد دفعه چهارم می بینید جواب دادند سؤال میکنیم حرف میزند معلوم میشود که سلکتورها خراب شده ما تلفنچی نداریم سیم کش ولوله کش و نجار نداریم در همان روستاها يك درب میخواهند برای خانه شان بگذارند باید به شهر مراجعه کنند برای يك درب ساده .. این است که باید تقسیم بشود به چهار کلاس ، چهار کلاس و چهار کلاس متوسطه هم که از ۸ تا ۱۲ است باید حتماً شاگردان در رشته ای که علاقمند این

رشته و این درس هستند مشغول. بشوند محصل ریاضیات چهار سال ریاضی بخواند و دیپلمه ریاضی بشود دیگری چهار سال در رشته طبیعی بخواند و دیپلمه طبیعی بشود و آن یکی چهار سال ادبی بخواند دیپلمه ادبی بشود و اما راجع به دانشگاه البته در اکثر استانها یعنی در سه استان دانشگاه داریم این افراط و تفریط است در تبریز دانشگاه داریم که شامل دانشکده های پزشکی و ادبیات و علوم است (دبیم - آن نامه را برای آقای وزیر فرهنگ هم که تشریف آوردند بخوانید) (یکنفر از نمایندگان - این نامه را که از لندن رسیده به آقای وزیر فرهنگ بدهید بخوانند که روغن را از چه میسازند) برادرم برای بنده یادداشت دادند عریضم را کوتاه کنم اما بنده بر خلاف میخوام ادامه بدهم با اجازه خانم ها آقایان محترم چون جناب آقای وزیر فرهنگ تشریف نداشتند و حالا تشریف آورده اند باید مطالب گفته بشود مامسولیم آمدیم این قرآن را بوسیدیم و قسم یاد کردیم که حرفمان را بزیم و خدمت بکنیم و با جدیت نشان بدهیم که منویات شاهنشاه معظم را اجرا و انجام میدهم جناب آقای وزیر فرهنگ که تشریف فرما شدند عرض میکنم نامه ای از فرزند من رسیده است که دیپلمه طبیعی است (دبیم - عیناً بخوانید) اجازه بفرمائید جناب آقای وزیر فرهنگ نوشته است «باباجان چندی پیش یکی از بچه ها داشت از روغن کرمانشاه حرف میزد و میگفت روغن را از شیر درست میکنند ولی من گفتم از بدن حیوان درست میکنند البته طرز درست کردنش را نمیدانم ولی همه بچه ها گفتند نه روغن از شیر درست میشود باباجان حتماً برایم بنویسید که روغن را چگونه درست میکنند من میدانم برای کسی که ۱۲ سال درس خوانده خیلی بد است که نداند ولی بهتر است بیستم تا هیج ندانم حتماً برایم بنویسید دیگر وقت شمارانمی گیرم ملاحظه بفرمائید خطش هم بدخته خوانا نیست (خنده نمایندگان) بحث اینجا است (دبیم - جوابی را که مرقوم داشتند بخوانید) جوابی که یکی از دوستان نوشته اند که بنده عرض میرسانم این است که نوشته اند بنور چشمی بنویسید روغن کرمانشاهی را از روغن نباتی درست میکنند (خنده نمایندگان) البته این هم از اطلاعات آقای مهندس آراسته است جناب آقای وزیر

فرهنگ بحث ما راجع به فرهنگ است و واقعاً چنانکه همه آقایان نمایندگان محترم استحضار دارند جنابعالی مرد دانشمندی هستید و آثار ادبی جنابعالی راهم مشاهده و مطالعه میکنند حالا در این سمت که تشریف دارید استدعای همه ما این است که توجه بیشتری نسبت به فرهنگ مبذول بفرمائید و این کتبی که تصمیم گرفته اید بکنواخت بفرمائید از لحاظ ارزانی و هم از لحاظ پاک نواخت بودن بسیار تصمیم بجائی بوده است همانطور که چند روز پیش فرمودید در سنوات آینده بهتر از پیش انجام میشود ولی ارزانی کتاب زیاد مؤثر نیست بنده عرض میکنم باز سه فرزندم در تهران مشغول تحصیل هستند دو نفر بسر در کلاس ابتدائی و اول متوسطه و یکی هم میخواهد دیپلم بگیرد خدا کند مانند آن یکی نباشد بنده دوهزار تومان برای این سه فرزندم در تهران دادم فرض بفرمائید که این کتاب ۵۰ تومان ارزان شده باشد چه اثری دارد (یکنفر از نمایندگان - بیشتر ارزان شده) شصت تومان باشد چه اثری دارد باید فکر کرد این پول را برای چه میگیرند نقصش در کجاست و چگونه میشود نقص را مرتفع کرد دو هزار تومان برای یکسال تحصیلی برای بنده حالا که دیگر میسر نیست سابقاً میسر بود باید نورچشمی را هم از لندن بخواهم تنها دوهزار تومان دادن هم نیست فردا پول سوخت میخواهد انعام و عیدی میخواهد خرجهای دیگر دارند و این مبلغ جزئی نیست این مبلغ قابل توجه است یا واقعاً بیاید فرهنگ را بگوئید پولی است محدود میشود وقتی که گفتید پولی همه کس نمیتواند فرزندش را بگذارد که درس بخواند میگوید هشت کلاس خوانده است بس است چشمش کور بشود بیاید آن کاری که من میکنم در بازار بکنند یا نجار بشود (یکنفر از نمایندگان - یا و کیل بشود) (حاذق) مدتهاست که گفته اند و کرده اند الان دانشگاه پولی است و همه باید پول بدهند (در دانشگاه خیر در دبیرستانها عرض میکنم) (خانم پارسای) - تعلیمات ابتدائی مسئولش وزارت فرهنگ است در دبیرستانها نباید اینکار را بکنند پول بدهند) پول بدهند خانم دکتر فرخ رو؟ بودجه هم برایش بگذارند؟ از همه مردم پول بگیرند و بودجه برایش بگذارند.

رئیس - آقای بالاخانلو متأسفانه وقت شما تمام شد

بالاخانلو - البته در آینده وقت زیاد است انشاء الله باید مطالب را با الصراحه بگویم بنده مطالعاتی که در این مورد دارم. مزاحم آقای وزیر فرهنگ خواهم شد و مطالب را بر عرضشان خواهم رساند رجاء و اتق دارم که جناب آقای وزیر فرهنگ سر و صورتی بوضع فرهنگ مملکت ما بدهند با کمک و همت خانم ها و آقایان محترم (انشاء الله)

۶ - اعلام ختم جلسه
رئیس - آقای صفی پور (گفته شد - نیستند) چون آقای صفی پور نیستند بنابراین جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز سه شنبه خواهد بود.
(مجلس ساعت ۱۱ و بیست دقیقه صبح ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی